

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٧٧ / ١١ / ١٨

١٠٤٨٢٣



دانشگاه ایستادن و بلوچستان  
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در تاریخ ایران اسلامی

عنوان:

# روند قدرت گیری رضاخان از کودتای ۱۲۹۹ شمسی تا انقراض قاجار

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا فراهانی

استاد مشاور:

دکتر عباسعلی آذر نیوشه

تحقیق و نگارش:

آیدین منفرد حامد

۱۳۸۷ / ۱ / ۱۸

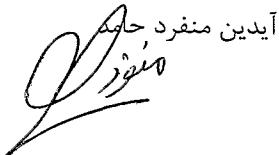
دی ۱۳۸۶

۱۴۴۸۳۳

موزه اطلاعات آذربایجان  
تبریز

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان روند قدرتگیری رضا خان از کودتای ۱۲۹۹ شمسی تا انقراض قاجار قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ (ایران در دوره اسلامی) توسط دانشجو آیدین منفرد حامد تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد رضا فراهانی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

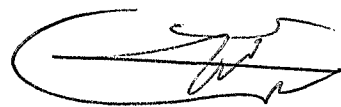
آیدین منفرد حامد  


این پایان نامه ۴..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی



دکتر محمد رضا فراهانی

استاد راهنما:

دکتر عباسعلی آذرنیوشه

استاد مشاور:

دکتر مسعود مرادی

داور ۱:

دکتر سید ابوالقاسم فروزانی

داور ۲:

دکتر سید یوسف میراحمدی

نماینده تحصیلات تکمیلی:



دانشگاه سیستان و بلوچستان

### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب آیدین منفرد حامد تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: آیدین منفرد حامد

امضاء 

تقدیم به:

مادرم استاد بزرگوار که چراغی برای راهنمایی دانشجویان این مرز و بوم بوده‌اند و  
پدر دانشمندم آقای دکتر منفرد حامد که همواره در زندگی از علم خویش مرا  
سیراب نموده‌اند

## سپاسگزاری

با نهایت سپاس از آقای دکتر محمدرضا فراهانی که به عنوان استاد راهنما کمک شایانی در تکمیل این پایان نامه نمودند و تشکر از آقای دکتر عباسعلی آذرنیوشه که در سمت استاد مشاور اینجانب را یاری دادند و با قدردانی از تمامی اساتید محترم گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان که همواره سمت شاگردی ایشان را خواهم داشت و همچنین با تشکر از همه عزیزانی که در انجام این مهم مرا یاری نمودند.

## چکیده

در زمان قاجاریه، کشور ایران مورد توجه سه قدرت برتر آن زمان یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه قرار گرفت که رقابت بین انگلستان و روسیه در ایران تا سال ۱۹۰۷ ادامه داشت. در آن سال معاهده‌ای دوجانبه بین دو قدرت بسته شد که عملاً ایران را به دو حوزه نفوذ این دو قدرت تبدیل می‌کرد. منطقه جنوب تحت نفوذ انگلستان و منطقه شمال تحت نفوذ روسیه و منطقه مرکزی هم، منطقه بی‌طرف اعلام شد. در معاهده ۱۹۱۵ که معاهده الحاقی به قرارداد ۱۹۰۷ است، آن منطقه بی‌طرف نیز از بین رفت. اما در سال ۱۹۱۷ در کشور شوروی حادثه‌ای بسیار بزرگ روی داد که باعث شد انگلستان یکه تاز رقابت در صحنه سیاسی ایران شود و آن حادثه، وقوع انقلاب بلشویکی در شوروی بود.

پس از وقوع انقلاب بلشویکی، روسیه از جنگ جهانی خارج و بدنبال آن نیروهایش را از شمال ایران فراخوانده از طرف دیگر اوضاع نابسامان داخلی در ایران و هرج و مرج حاکم، انگلستان را به فکر انداخت که با انعقاد قراردادی ایران را تحت الحمایه خود کند. بنابراین در زمان وثوق‌الدوله، قراردادی را که معروف به قرارداد ۱۹۱۹ گردید، با دولت وقت منعقد کردند، اما در اثر فشارهای داخلی و همچنین مخالفت دولت‌های آمریکا و فرانسه و نیز جامعه ملل که تازه تأسیس شده بود، انگلستان موفق به رسیدن به مقاصد خود نگردید.

از طرف دیگر در این هنگام خطر روزافزون نفوذ سیاسی و مسلکی کمونیسم مخصوصاً در کشورهای هم‌مرز با روسیه به شدت احساس می‌شد و انگلستان می‌بایست «کمربندی بهداشتی» در کشورهای هم‌مرز روسیه و یا نزدیک به آن با ایجاد حکومت‌هایی نظامی و مقتدر ایجاد می‌کرد که از گسترش خطر کمونیسم جلوگیری به عمل آورد. در این هنگام دولت انگلستان توانسته بود از فنلاند، کشورهای بالتیک، لهستان، رومانی و ترکیه تا مرز ایران رژیم‌های دیکتاتوری نظامی را تقویت کند تا از نفوذ کمونیسم جلوگیری به عمل آورد.

اما در ایران علاوه بر اینکه ایجاد حکومت مرکزی مقتدر می‌توانست این خواست انگلیس‌ها را برآورده سازد، با خروج نیروهای انگلیسی از ایران. هزینه‌های نظامی دولت بریتانیا به شدت کاهش می‌یافت و از سویی دیگر با ایجاد حکومتی مقتدر و وابسته در مرکز دیگر انگلستان مجبور نبود پول‌های هنگفتی را خرج خوانین محلی بکند تا آنها منافع بریتانیا را در محل تأمین نمایند. بنابراین انگلستان، سنت دیرینه خود را که تسلط مستقیم بر کشورهای مورد نظر بود، تغییر داد و بجای آن تصمیم گرفت حکومت‌هایی وابسته و البته به ظاهر ملی را در کشورهایی که منافع انگلستان ایجاب می‌نمود، به وجود آورد. بر همین اصل آنها در ایران چشم خود را به شخصی نظامی به نام رضاخان میرپنج دوختند و با حمایت غیرمستقیم از این شخص، به سوی هدف‌های

خود گام برداشتند پس از انجام کودتا سید ضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتا به ریاست وزرایی رسید و ریاستی کوتاه و نافرجام داشت. بعد از وی قوام السلطنه از چهره های مطرح سیاسی آن دوران به مقام ریاست وزرایی رسید و در مدتی که این مقام را عهده دار بود توانست منشا خدماتی گردد و تا حدودی در مقابل رضاخان ایستادگی نماید. اما بعد از استعفای قوام، دولتهای ضعیف بر سر کار آمدند و تا به ریاست وزرایی رسیدن رضاخان، در واقع نقش واسطه و عبور از دورانی موقت را عهده دار شدند.

اما زمانی که رضاخان به سمت ریاست وزرایی انتخاب شد، با هوش و درایت خود و اعمالی بسیار سنجیده به هدف اصلی که همانا رسیدن به سلطنت بود، نایل آمد. در این زمان انگلیس که از دولتی مقتدر در مرکز ایران حمایت میکرد، اهدافش با اهداف رضاخان که کسب قدرت و یکپارچه کردن مملکت بود، همسو گشت و این از مهمترین عواملی بود که رضاخان را در رسیدن به مقام سلطنت یاری داد.

**کلید واژه:** ایران، قاجار، احمدشاه، رضاخان



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه:.....
۳	بخش اول: کودتای ۱۲۹۹ شمسی و کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی.....
۵	فصل اول: مقدمات کودتا.....
۶	۱-۱- قرارداد ۱۹۱۹.....
۸	۲-۱- مخالفتها با قرارداد ۱۹۱۹.....
۱۱	۳-۱- زمینه‌های کودتا.....
۲۲	فصل دوم: کودتای سوم حوت و حوادث پس از آن.....
۲۳	۱-۲- نحوه انجام کودتا:.....
۲۵	۲-۲- عکس‌العمل مردم نسبت به کودتا:.....
۲۶	۳-۲- حکومت صد روزه سیدضیاءالدین طباطبایی.....
۴۲	بخش دوم: نخست‌وزیری قوام‌السلطنه.....
۴۴	فصل سوم: اقدامات نخستین قوام‌السلطنه.....
۴۵	۱-۳- انتخاب قوام به نخست‌وزیری و قدرتمند شدن نسبی اشراف.....
۴۸	۲-۳- افتتاح مجلس چهارم.....
۵۱	۳-۳- تاختن جراید به انگلستان.....
۵۵	فصل چهارم: ماجرای نفت خوشتاریا.....
۵۶	۱-۴- کشاندن آمریکا به صحنه سیاست در ایران.....
۵۸	۲-۴- مخالفت با اعطای امتیاز به آمریکایی‌ها.....
۶۰	۳-۴- بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های ایران برای قرارداد با آمریکایی‌ها.....
۶۳	فصل پنجم: سرکوب طغیان کلنل محمدتقی‌خان پسیان.....
۶۴	۱-۵- دشمنی قوام با کلنل پسیان.....
۶۶	۲-۵- کودتای کلنل پسیان.....
۶۹	۳-۵- شکست کلنل پسیان.....
۷۲	فصل ششم: سرکوب نهضت جنگل.....
۷۳	۱-۶- زمینه‌های پیدایش جنبش جنگل.....
۷۵	۲-۶- تأسیس جمهوری شوروی گیلان.....
۷۷	۳-۶- کودتای سرخ.....
۷۹	۴-۶- شکست نهضت جنگل.....
۸۶	فصل هفتم: دولت هشت ماهه قوام.....
۸۷	۱-۷- مشکلات قوام.....
۸۹	۲-۷- سقوط کابینه قوام.....

۹۱	بخش سوم: نخست‌وزیری نوبتی
۹۳	فصل هشتم: کابینه اول مشیرالدوله
۹۴	۱-۸- انتصاب مشیرالدوله به نخست‌وزیری
۹۵	۲-۸- قیام لاهوتی
۹۷	۳-۸- استعفای مشیرالدوله
۹۹	فصل نهم: کابینه دوم قوام‌السلطنه
۱۰۰	۱-۹- استخدام مستشاران آمریکایی
۱۰۱	۲-۹- سرکوب شورش سمیتقو
۱۰۲	۳-۹- ماجرای استعفای رضاخان
۱۰۴	۴-۹- استعفای قوام
۱۰۷	فصل دهم: کابینه مستوفی‌الممالک
۱۰۸	۱-۱۰- انتخاب مستوفی به نخست‌وزیری
۱۰۹	۲-۱۰- استیضاح کابینه مستوفی و استعفای وی
۱۱۲	فصل یازدهم: کابینه دوم مشیرالدوله
۱۱۳	۱-۱۱- آمدن علمای عراق عرب به ایران
۱۱۴	۲-۱۱- دستگیری قوام‌السلطنه
۱۱۴	۳-۱۱- استعفای مشیرالدوله
۱۱۷	بخش چهارم: نخست‌وزیری رضاخان
۱۲۰	فصل دوازدهم: نخست‌وزیری رضاخان تا آغاز جنبش جمهوری خواهی
۱۲۱	۱-۱۲- تشکیل کمیته مشورتی
۱۲۲	۲-۱۲- اعتراض انگلیس‌ها به برخی جراید ایران
۱۲۳	۳-۱۲- تثبیت قدرت رضاخان و افتتاح مجلس پنجم
۱۲۸	فصل سیزدهم: جمهوری خواهی
۱۲۹	۱-۱۳- اندیشه جمهوری خواهی
۱۳۰	۲-۱۳- موافقین و مخالفین نهضت جمهوری خواهی
۱۴۰	۳-۱۳- شکست جنبش جمهوری خواهی
۱۴۷	فصل چهاردهم: استعفای رئیس الوزراء
۱۴۸	۱-۱۴- کناره‌گیری رضاخان از ریاست وزرایی و رفتن وی به رودهن
۱۴۹	۲-۱۴- واکنش‌ها در برابر استعفای رضاخان
۱۵۱	۳-۱۴- بازگشت رضاخان بر مسند قدرت
۱۵۳	فصل پانزدهم: تثبیت قدرت سیاسی رضاخان
۱۵۴	۱-۱۵- ماجرای قتل مازور ایمبری
۱۵۶	۲-۱۵- استیضاح رئیس الوزراء و رأی اعتماد گرفتن وی از سوی مجلس
۱۵۹	۳-۱۵- سرکوب شیخ خزعل

۱۶۷	بخش پنجم: انقراض قاجاریه
۱۶۸	فصل شانزدهم: اعطای فرماندهی کل قوا از سوی مجلس به رضاخان
۱۷۴	فصل هفدهم: به سلطنت رسیدن رضاخان
۱۸۴	فصل هجدهم: نتیجه‌گیری
۱۸۷	منابع فارسی
۱۹۲	منابع خارجی
۱۹۳	مجلات
۱۹۳	جراید
۱۹۴	اسناد

## مقدمه:

در قرن نوزدهم میلادی، سیاست خارجی انگلستان در خاورمیانه، بیشتر بر محور جلوگیری از ایجاد هر گونه مرز مشترک در شبه قاره هند با روسیه تزاری بود تا از هند در برابر نفوذ و یا حمله احتمالی روس‌ها دفاع نماید. از طرف دیگر روسیه نیز در نظر داشت با راه یافتن به آب‌های گرم خلیج فارس، متصرفات خود را به سمت جنوب گسترش دهد. از سویی دیگر با آنکه در آن زمان، روسیه و انگلستان دو قدرت برتر جهان و رقیب سنتی همدیگر بودند، در ایران منافع مشترکی نیز داشتند، از جمله جلوگیری از نفوذ قدرت سومی در ایران و همچنین ممانعت از به وجود آمدن ایرانی قدرتمند که ممکن بود در برابر خواست‌های آنها ایستادگی نماید. بنابراین هر دو قدرت می‌کوشیدند که از استقلال سیاسی و اقتصادی ایران جلوگیری نموده و سعی در وابسته نگه داشتن آن کشور به خود می‌نمودند. علاوه بر این دولت انگلستان با دادن کمک‌های نقدی به خان‌ها و گروه‌های وابسته به سیاست سنتی و عشایری خود و در راستای سیاست‌های استعماریش، سعی در عدم تمرکز قدرت در ایران می‌نمود.

اما با آغاز قرن بیستم، قدرت دیگری به نام آلمان ظهور کرد. دو قدرت انگلستان و روسیه در این زمان، از ترس نفوذ آلمان‌ها در منطقه، قرارداد دو جانبه‌ای را در سال ۱۹۰۷ میلادی به امضاء رساندند. در بخشی از این قرارداد که مربوط به ایران بود، انگلستان و روسیه، ایران را به دو حوزه نفوذ خود یعنی شمال برای روس‌ها و جنوب برای انگلیس‌ها تقسیم کردند و یک منطقه بی‌طرف در مرکز نیز در نظر گرفته شد که البته در سال ۱۹۱۵ باز هم در جهت کاهش نفوذ آلمان‌ها در ایران، آن منطقه بی‌طرف نیز برداشته شد. حتی دول مذکور، با طرح راه‌آهنی که از بغداد به برلین کشیده می‌شد، برای جلوگیری از نفوذ بیش از حد آلمان‌ها در خاورمیانه مخالفت کردند.

اما در سال ۱۹۱۸ و با پایان یافتن جنگ جهانی اول، موقعیت انگلستان در منطقه خاورمیانه تثبیت شد. زیرا آلمان پس از شکست در جنگ جهانی، به لحاظ نظامی و اقتصادی بسیار تحلیل رفته بود و روسیه تزاری نیز در سال ۱۹۱۷ با انقلاب بلشویکی مواجه گردیده بود که عملاً روس‌ها را در آن هنگام از صحنه سیاست خارجی محو کرد و انگلستان یگانه قدرت برتر در خاورمیانه شد. اما پس از گذشت زمانی اندک، انگلستان خطر نفوذ کمونیسم، چه به لحاظ عقیدتی و چه به لحاظ نظامی را در کشورهای هم‌مرز روسیه و از جمله ایران احساس نمود. از سوی دیگر وقت اجرای نقشه توسعه امپراتوری بریتانیا، از مدیترانه تا جنوب شرقی آسیا

رسیده بود. بنابراین ایران در زمره کشورهای قرار گرفت که می‌بایست زیر سلطه این امپراطوری در آید. انگلستان پس از پایان جنگ جهانی به آسانی توانسته بود عراق و فلسطین را تصرف کند. اما در مورد ایران، وقتی انگلستان نتوانست ایران را رسماً تحت الحمايه خود کند، قراردادی را در سال ۱۹۱۹ با دولت ایران منعقد نمود. بر طبق این قرارداد، ایران چه به لحاظ نظامی و چه به لحاظ اقتصادی با مستشارانی که انگلیس‌ها به ایران می‌فرستادند عملاً تحت سیطره انگلستان در می‌آمد. اما با مخالفت‌هایی که افکار عمومی در ایران با انعقاد این قرارداد از خود نشان داد و همچنین مخالفت‌های شدید دولت‌های آمریکا، شوروی و فرانسه، دولت انگلستان موفق نشد به نیت خود دست پیدا کند. در این هنگام روسیه صاحب قدرت و نفوذ روزافزونی می‌گشت و سیاست انگلستان برای مقابله با قدرت روسیه بلشویکی ایجاب می‌کرد که در طول مرزهای جنوبی روسیه، کشورهایی به اصطلاح قرنطینه ایجاد نماید تا از توسعه عقیدتی و سیاسی کمونیسم جلوگیری به عمل آورد. کاری که انگلستان در کشورهای هم‌مرز با روسیه چه در آسیا و چه در اروپا به انجام رسانید، بدین معنی که حکومت‌هایی نظامی و دیکتاتوری با ظاهری ملی و ضدکمونیستی را در این کشورها برقرار نمود. در ایران نیز بر طبق همین سیاست انگلیس‌ها بود که حکومتی از نوع دیکتاتوری نظامی به وجود آمد. در نهایت همین سیاست انگلستان بود که طی دوره ای حدوداً پنج ساله و فراز و نشیب‌های بسیار رضاخان میرپنج را به سمت احراز مقام سلطنت در ایران سوق داد.

اما روش بکارگرفته شده در پژوهش، روشی است تاریخی که در آن محقق با مشاهده غیرمستقیم و با تکیه بر اسناد و مدارک و منابع تاریخی، به تجزیه و تحلیل حوادث پرداخته است. ابزار پژوهش منابع واسناد و مدارک تاریخی بوده که در دسترس قرار داشته اند. طرح کار که هدفش ساماندهی تحقیق میباشد، برای فهم بهتر مطالب این پژوهش، به شرح زیر تقسیم بندی شده است:

بخش اول: کودتای ۱۲۹۹ شمسی و کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی که به بررسی زمینه های کودتا و حوادث پس از آن می پردازد. بخش دوم: نخست وزیری قوام السلطنه که حکومت هشت ماهه قوام و اقدامات وی را شامل میشود. بخش سوم: نخست وزیری نوبتی که کابینه های مشیرالدوله، قوام السلطنه و مستوفی الممالک را بررسی مینماید. بخش چهارم: نخست وزیری رضاخان که اقدامات رضاخان را برای نیل به قدرت بیشتر توضیح میدهد. بخش پنجم: انقراض قاجاریه که عوامل سقوط خاندان قاجار را شرح میدهد.

بخش اول:

کودتای ۱۲۹۹ شمسی و کابینه سیدضیاءالدین

طباطبایی

انقلابی که در سال ۱۹۱۷ در روسیه رخ داد را می‌توان نقطه عطفی در تحولات سیاسی یکصد سال اخیر به حساب آورد. این انقلاب معادله قدرت در منطقه را نیز دگرگون نمود. حکومت تازه تأسیس بلشویکی سیاستی مخالف با روسیه تزاری در پیش گرفت. اندکی بعد از انقلاب، سپاهیان روسی شروع به تخلیه ایران نمودند و تنها در قسمت‌هایی از نواحی غربی ایران که در آن نیروهای انگلیسی و عثمانی در خلال جنگ جهانی اول مشغول زد و خورد بودند، باقی ماندند.

در نتیجه تخلیه ایران از قوای روسی، نیروهای نظامی انگلیس در ایران رقیبی برای خود نمی‌دیدند، زیرا در آن زمان، کشورهای فرانسه و آمریکا فقط هیئت‌های سیاسی در تهران داشتند و عثمانی نیز در خلال جنگ اول جهانی و در اواخر آن، تحلیل رفته و رقیب خطرناکی به حساب نمی‌آمد. در پایتخت ایران نیز دولت ناتوان و بحران‌زده آخرین شاه قاجار حکومت می‌کرد. لذا دولت انگلستان حاکم بلامنازع بر کل مقدرات ایران بود.<sup>۱</sup> با از میان رفتن همه رقیبان از طریق جنگ یا انقلاب، توجه انگلستان از آن پس یکسره معطوف به این امر شد که چگونه موقعیت انحصاری خود را حفظ کند. از قرار معلوم بریتانیا مدتی کوتاه به صورت جدی به فکر افتاد که ساده‌ترین راه حل آن است که از کنفرانس صلح بخوهد قیومیت ایران را به انگلستان واگذارد. این فکر هر اندازه هم که جدی می‌بود ظاهراً در اواخر ۱۲۹۷ ش کنار نهاده شد، علاوه بر سایر مشکلات تصور می‌رفت ایالات متحده رضایت نخواهد داد و حتی فرانسه که خود چشم‌داشت‌های امپریالیستی به مستملکات سابق عثمانی داشت، لابد با چنین تصمیمی مخالفت خواهد کرد. بهترین و شاید ساده‌ترین کار در این شرایط آن بود که ایران را منزوی نگهداشت و ایرانیان را مجبور کرد سلطه بالفعل بریتانیا را بپذیرند. پس انگلیسی‌ها به تقلا درآمدند و معاهده‌ای تهیه دیدند که به موجب آن ایران اختیار امور مالی و نظامی و خارجی خود را به بریتانیا تفویض می‌کرد.<sup>۲</sup>

---

۱- مهدوی، هوشنگ عبدالرضا. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: انتشارات امیرکبیر،

۱۳۶۴، ص ۳۵۶.

۲- غنی، سیروس، ایران بر آمدن رضاخان بر افتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۰، ص

۴۱.

فصل اول:

مقدمات کودتا



## ۱-۱- قرارداد ۱۹۱۹

همان‌طور که گفته شد وقتی که دولت تزاری روس که بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین رقیب بریتانیا در رقابت‌های استعماری بود، فروریخت، دیگر قدرت مقتدری که بتواند جلوی خواسته‌های انگلیس را بگیرد، وجود نداشت. به همین جهت «لرد کرزن»<sup>۱</sup> وزیر خارجه انگلستان به «سرپرسی کاکس»<sup>۲</sup> وزیر مختار آن کشور در تهران مأموریت می‌دهد که معاهده‌ای با دولت ایران ببندد که در آن ایران عملاً تحت‌الحمایه انگلستان شود گرچه ممکن است ظاهر قرارداد این امر را نشان ندهد.

کاکس تقریباً تمام عمر سیاسی خود را در دستگاه‌های مستعمراتی بریتانیا گذرانده بود. وی که براساس روانشناسی شرق به رفتار سیاسی مبادرت می‌ورزید، بر این اعتقاد بود که روحیه شرقیان همیشه تابع زور و غالباً شیفته زر است. وی از نفوذ این دو عامل مهم (زر و زور) در خریدن و مطیع کردن سیاست‌پیشگان خاورزمین هرگز غفلت نداشت. به این دلیل افکار و عقایدش با «وثوق الدوله» نخست‌وزیر ایران سازگاری داشت.<sup>۳</sup>

بنابراین «کاکس» وارد مذاکره با سه تن از چهره‌های سیاسی ایران شد. نفر اول شخص «وثوق الدوله» نخست‌وزیر ایران، نفر دوم صارم‌الدوله دومین پسر باقی‌مانده مسعود میرزا ظل السلطان، بزرگ‌ترین پسر در قید حیات ناصرالدین شاه و نفر سوم فیروز میرزا نصرت‌الدوله پسر ارشد عبدالحسین میرزا فرمانفرما. کاکس برای تصویب این قرارداد با این گروه سه نفره (نخست‌وزیر و وثوق‌الدوله و دو وزیر کابینه‌اش نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله) وارد مذاکره شد. در ۱۱ و ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۹، انگلیسی‌ها برای موافقت این سه نفر با قرارداد به آنها وجوهی به قرار زیر می‌پردازند: ۳۰/۰۰۰ لیره به صارم‌الدوله، ۳۰/۰۰۰ لیره به نصرت‌الدوله و ۷۱/۰۰۰ لیره به وثوق‌الدوله.<sup>۴</sup>

1. Lord Kurzen

2. Sir Percy Cox

۳- مصلی‌نژاد، غلامعباس، جمهوری‌خواهی در ایران، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۳، ص ۷۱.

۴- غنمی، پیشین، ص ۷۴.

در این قرارداد انگلستان وعده داده بود که با هزینه دولت ایران خدمات مستشاران مورد نظر ایران را، پس از تبادل نظر دو کشور، برای چند سازمان نیازمند تأمین کند. این مستشاران براساس قرارداد مذکور استخدام شده و اختیارات کافی به آن‌ها داده شده بود و «نوع استخدام بستگی به توافق دولت ایران و مستشاران داشت». در قرارداد موافقت شده بود که با هزینه دولت ایران، افسران و مهمات و تجهیزات جدید از سوی انگلستان فراهم شود که ضرورت آن از سوی کمیسیون مشترک کارشناسان نظامی ایران و انگلیس تعیین خواهد شد و این کمیسیون بلافاصله به منظور برآوردن نیازهای ایران در زمینه تشکیل یک نیروی نظامی متحدالشکل که ایران پیشنهاد تأسیس آن را جهت استقرار و حفظ نظم در کشور و مرزهای خود داده است، تشکیل خواهد شد. «سپس برای تأمین مالی این طرح‌ها» دولت بریتانیا به دادن یک قرضه یاتهیبه یک وام برای دولت ایران اقدام خواهد کرد، که وجه الضمان آن، از طریق تبادل نظر دو کشور و از ممر درآمدها یا گمرکات یا سایر منابع درآمد موجود، تعیین خواهد شد.<sup>۱</sup>

بلافاصله پس از امضای این قرارداد، انگلیسی‌ها شروع به اجرای آن نموده و قبل از آن که مراحل قانونی خود را طی کند، مبلغ دو میلیون لیره با بهره هفت درصد در اختیار وثوق‌الدوله قرار دادند. آنان یک هیئت نظامی به ریاست «ژنرال دیکسون»<sup>۲</sup> و یک هیئت مالی به ریاست «سیدنی آرمیتاژ اسمیت»<sup>۳</sup> به تهران فرستادند تا ارتش و دارایی کشور را قبضه نمایند. وثوق‌الدوله هم به مناسبت خدماتی که انجام داده بود، به دریافت «نشان» از دولت انگلستان نائل گردید.<sup>۴</sup>

اما در این میان احمد شاه نیز برخلاف تصور مردم در آن زمان به قرارداد روی خوش نشان داد و نورمن وزیر مختار جدید انگلستان در ایران که قرار بود تا ماه دیگر به جای کاکس فعالیت خود را در ایران شروع کند، در نامه‌ای به تاریخ ۷ مه از قاهره به لرد کرزن گزارش می‌دهد که شاه به من اطمینان صد درصد داد که به قرارداد کاملاً وفادار خواهد ماند.<sup>۵</sup>

---

۱- آوری، پیتز، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: چاپخانه حیدری، ۱۳۶۹، ص ۳۷۸-۷۹.

2. William E.R. Dickson

3. Sydney Armitage Smith

۳- مصلی‌نژاد، پیشین، ص ۷۲.

۴- غنی، پیشین، ص ۸۹.

بنابراین تا این زمان مخالفتی از اشخاص سیاسی و دربار با این قرارداد نشده بود و هیئت نظامی و هیئت مالی شروع به کار نمودند. مخبرالسلطنه هدایت که در آن زمان وزیر مالیه بود، می‌گوید: «تصدیق دارم که آرمیتاژ اسمیت کارآگاه‌تر از شوستر بود یا از میلیسپو که بعد آمد. کاش ما او را با اختیار خودمان خواسته بودیم»<sup>۱</sup>.

در تاریخ نهم اوت ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس وزیر مختار انگلیس در تهران به وثوق‌الدوله رئیس الوزراء نامه‌ای به شرح زیر می‌دهد:

«عالیجناب:

عطف به قراردادی که امروز - نهم اوت/۱۹۱۹ - میان دولتین ایران و بریتانیا بسته شد، از جانب حکومت متبوع خود اجازه دارم به اطلاع عالیجناب برسانم که اعلی حضرت احمد شاه قاجار و جانشینان ایشان مادام که بر وفق سیاست و صوابدید ما در ایران عمل کنند، از حمایت دوستانه دولت بریتانیا بهره‌مند خواهند شد.<sup>۲</sup> نکته جالب این که پیش‌نویس کاکس این چنین بود: «احمد شاه و اعقاب ایشان» ولی لرد کرزن با تیزهوشی و آینده‌نگری که داشت به «احمد شاه و جانشینان ایشان» تغییر داد. تغییر همین یک واژه کوچک، درواقع تضمین را برای خاندان احمدشاه بی‌معنا کرد و دست دولت بریتانیا را باز گذاشت تا در سال ۱۳۰۴ خورشیدی تغییر خاندان پادشاهی را از سلسله قاجار به پهلوی گردن نهد.

## ۱-۲- مخالفت‌ها با قرارداد ۱۹۱۹

خبر انعقاد قرارداد ایران و انگلیس از منابع خارجی انتشار یافت و طوفانی از خشم و غضب در میان ملیون و میهن‌پرستان ایرانی برانگیخت و همه یک دل و یک زبان با این قرارداد که ایران را درواقع به صورت «تحت‌الحمایه انگلیس» در می‌آورد، مخالفت نمودند.<sup>۳</sup> همچنین موج مخالفت بسیاری را در داخل کشور از جمله در تبریز، «جنبش خیابانی» و در تهران ایجاد نمود. این خبر هیجانات سیاسی و واکنش بسیاری از

---

۱- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی، خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۴۴، ص ۳۱۱.

۲- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ترجمه دکتر جواد شیخ اسلامی، ۳ جلد، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۵، ص ۳۰.

۳- مهدوی، پیشین، ص ۳۶۰.

میهن پرستان و برخی روحانیون مانند «سیدحسن مدرس» و «امام جمعه خویی» را برانگیخت.<sup>۱</sup>

هنگامی که قرارداد ۱۲۹۸ ش/ ۱۹۱۹ م بسته می‌شد، قرارداد مخفیانه ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷ م روس و انگلیس برملا شده بود؛ نقش و اقدامات بعدی حکومت انگلیس در ایران که دخالت نظامی و سیاسی را شامل می‌شد داعیه‌های خیرخواهانه انگلیس را در مورد ایران کاملاً بی‌اعتبار کرده بود.<sup>۲</sup> زیرا در قرارداد ۱۹۰۷ دو دولت روس و انگلیس کشور ایران را بین خود به دو ناحیه تقسیم کرده بودند و البته یک ناحیه بی‌طرف که مرکز کشور بود که بعداً در قرارداد ۱۹۱۵ آن منطقه بی‌طرف نیز برداشته شد.

در اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹، سرهنگ فضل‌الله آق‌اولی افسر خوشنام ژاندارمری و مأمور ارشد نظامی ایرن در کمیسیون دیکسن، دست به خودکشی زد و این خشم مردم رابه اوج رسانید.<sup>۳</sup> در این احوال تقریباً پنجاه تن از نمایندگان برای آن که خود را از تهمت رشوه‌گیری میرا کنند، مخالفت خود را با قرارداد اعلام کردند.<sup>۴</sup> در این زمان مردم ایران تصور می‌کردند که احمدشاه با قرارداد مخالف بوده و وثوق‌الدوله را عامل انعقاد قرارداد می‌دانستند. بنابراین در نیمه اول خرداد ۱۲۹۹ ش که شاه از فرنگ برگشت، در تهران ملت استقبال شایانی کرده در تمام مسیر شاه قالی‌های قیمتی پهن کردند و در آن روزهای پرغم و غصه از بغض و وثوق‌الدوله خوشحالی باطنی خود را از دیدار قائد جوان ظاهر [کرده] برای شاه کف زده هوراها کشیدند و هنگامی که شاه به آستانه در کاخ گلستان رسید تظاهراتی عمومی علناً بر علیه انگلستان و قرارداد ۱۹۱۹ و عاقد آن صورت گرفت.<sup>۵</sup>

اما مخالفین خارجی نیز در مورد قرارداد ۱۹۱۹ کم نبودند. اکثر کشورهای دوست و متحد انگلستان نیز به این قرارداد اعتراض کردند. وزیر مختار آمریکا در تهران، لارنس جان کالدول،<sup>۶</sup> اعلام کرد که کشورش مخالف

---

۱- میراحمدی، مریم، پژوهشی در تاریخ معاصر ایران: برخورد شرق و غرب در ایران ۱۹۵۰-۱۹۰۰، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶، ص ۳۶.

۲- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱.

۳- غنی، پیشین، ص ۷۶.

۴- پیشین، ص ۱۶۲.

۵- منشور گرگانی، محمدعلی، رقابت روسیه و انگلیس در ایران، مقدمه و توضیحات: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۵.